

مطالعه تاثیر کارآفرینی بر امنیت اجتماعی

حسن شهراشوب

کارشناسی ارشد علوم سیاسی، مدیر امور طرح و برنامه بانک ملی

چکیده

یکی از شاخص های توسعه و پیشرفت کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه توجه به اقتصاد دانش بنیاد مبتنی بر خلاقیت و مهارت انسانی است. در همین زمینه می توان کارآفرینی را به عنوان یکی از مهم ترین موارد در اقتصاد خلاقیت محور قلمداد کرد که می تواند به توسعه جوامع در تمامی ابعاد کمک وافر کند. در این راستا، هدف از این پژوهش نیز بررسی تاثیر کارآفرینی بر امنیت اجتماعی است. سوالی که در همین رابطه مطرح می شود و قصد داریم به آن بپردازیم آن است که آیا سیاستهای کارآفرینی تاثیری بر امنیت داشته است؟ در پاسخ باید گفت، به نظر می رسد سیاستهای کارآفرینی تاثیرسزایی بر امنیت اجتماعی در نقاط مختلف جهان و به ویژه در ایران و سایر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه داشته است.

واژه های کلیدی: کارآفرینی، امنیت اجتماعی، دانش، خلاقیت، سرمایه اجتماعی.

۱- مقدمه

در عصر حاضر که رقابت و نوگرایی از مشخصه های آن محسوب می گردد با ورود به اقتصاد دانش محور، دانش در مقایسه با سایر عوامل تولید مانند زمین و سرمایه و ماشین آلات و... از ارجحیت بیشتری برخوردار شده است به طوری که در این اقتصاد، دانش به عنوان مهمترین عامل تولید محسوب می شود و از آن به عنوان مهمترین مزیت رقابتی سازمان ها یاد می گردد. یکی از ویژگی های این دانش این است که نامشهود است، یعنی غیر قابل لمس و غیر قابل محسوس است و ارزشگذاری و اندازه گیری آن خیلی سخت و مشکل است در صورتی که در گذشته سازمان ها با استفاده از روش های حسابداری قادر بودند تا ارزش و اندازه عوامل تولید خود را بطور کامل محاسبه کنند. امروزه این روش های حسابداری دیگر دارای کارایی لازم نیستند. از طرفی داشتن اطلاعات به روز و مفید نیز به عنوان یکی دیگر از مزایای رقابتی سازمان ها محسوب می گردد که در سایه برقراری ارتباطات مستمر می تواند کسب و افزایش یابد. دانش و اطلاعات به عنوان مهمترین اجزای دارایی های نامشهود محسوب می شوند. اگر در گذشته بیشتر دارایی های سازمان ها مشهود بوده اند امروزه قسمت اعظم دارایی های سازمانها نامشهود هستند. در اقتصاد دانش محور، موفقیت سازمان ها به توانایی مدیریت این دارایی های نامشهود بستگی دارد و برای اینکه بتوانیم این دارایی ها را مدیریت کنیم ابتدا می بایستی آنها را شناسایی و اندازه گیری کرده و در نهایت می توانیم آنها را مدیریت نماییم. در این رابطه یکی از موضوعاتی که ارتباط وثیقی با اقتصاد دانش محور، تکنولوژی و اطلاعات دارد، کارآفرینی است که از اهمیت زیادی در اقتصادهای توسعه یافته و در حال رشد برخوردار است.

وقتی صحبت از کارآفرینی می شود شاید این مسئله تداعی گردد که کارآفرین به این دلیل کارآفرین شده است که خود آقای خود باشد و جهت شروع و یا ارتقاء فعالیت های خود نیازی به شناسایی خواسته ها و وجود ارتباط فراوان و گسترده با افراد جامعه ندارد؛ اما این دیدگاه، دیدگاه بسیار خطرآفرینی است چرا که کارآفرینی در خلاء انجام نمی گیرد و آن تنها با ارتباط مستمر و همیشگی فرد کارآفرین و اجتماع پیرامونش میسر می گردد از این رو حضور فرد کارآفرین در بطن جامعه و شناسایی مستمر نیاز افراد و تلاش در مرتفع نمودن آنها به یک الزام اجتناب ناپذیر مبدل شده است. در نتیجه برای موفقیت و شکل گیری فعالیت کارآفرینانه بجز حضور فعال در اجتماع و شناسایی مناسب فرصت ها، وجود دانش و اطلاعات بروز و کارآمد به عنوان سرمایه نیز از اصول انکارناپذیر محسوب می گردد. این سرمایه همانگونه صاحب نظران و محققان امر دسته بندی نموده اند شامل: سرمایه های انسانی، فکری، اجتماعی، فیزیکی،... می باشند که همگی در قالب یک سیستم به هم تنیده در تلاشند تا ضمن خلق دانش و اطلاعات به عنوان مزیتی رقابتی با عملیاتی نمودن آن در راستای رفع نیازهای سایر افراد ارزش آفرینی نمایند. اینچنین است که رابطه بین کارآفرین و سرمایه های یاد شده یک رابطه چند وجهی می باشد که در این میان رابطه کارآفرینی و سرمایه اجتماعی دارای اهمیت ویژه ای است چرا که در عصر حاضر که به عصر ارتباطات و اطلاعات مشهور است در قالب شبکه اجتماعی است که سایر سرمایه ها تقویت می گردد و بوسیله این سرمایه ها فعالیت کارآفرینانه معنا می یابد. از دیگر سوی نیز کارآفرینی در پرورش صور گوناگون سرمایه سهیم است. از این رو این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال اصلی است.

در همین راستا، هدف از این مقاله بررسی تاثیر کارآفرینی بر امنیت اجتماعی استان کرمان است. خوشبختانه در سالهای اخیر در کشور ما نیز مقوله کارآفرینی مورد توجه قرار گرفته، با این وجود این مفهوم برای بسیاری از دست اندرکاران و افراد جامعه ناشناخته و غریب است. شاید به همین دلیل تاکنون برنامه ریزی و بسترسازی مناسبی در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و نظام آموزشی کشور برای توسعه کارآفرینی به ویژه در دانشگاههای کشور صورت نپذیرفته است. در شرایط کنونی که اقتصاد کشورمان با مسائل و نارساییهای مهمی نظیر فرار مغزها، بیکاری (بویژه در فارغ التحصیلان دانشگاهها) کمبود نیروی انسانی متخصص، کاهش سرمایه گذاری دولت، عدم تحرک و رشد اقتصادی کافی روبروست، پرورش و آموزش کارآفرینان ارزش آفرین از اهمیت مضاعفی برخوردار است. در همین رابطه، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا سیاستهای کار آفرینی تاثیر بر امنیت اجتماعی داشته است؟ در پاسخ باید گفت، به نظر می رسد سیاستهای کار آفرینی تاثیر بسزائی بر امنیت اجتماعی استان داشته است.

۲- ادبیات تحقیق

علی‌رغم اینکه در کشورهای پیشرفته دنیا از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد به موضوع کارآفرینی توجه جدی شده و حتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه هم از اواخر دهه ۱۹۸۰ این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند، در کشور ما تا شروع اجرای برنامه سوم توسعه، توجه چندانی به کارآفرینی نشده بود. حتی در محافل علمی و دانشگاهی نیز به جز موارد بسیار نادر، فعالیتی در این زمینه صورت نگرفته بود. مشکل بیکاری و پیش‌بینی حادث شدن آن در دهه ۱۳۸۰ موجب شد که در زمان تدوین برنامه سوم توسعه، موضوع توسعه کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد. در برنامه اخیر، توسعه کارآفرینی در سطح وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی، صنایع و معادن و فلزات و همچنین مؤسسه جهاد دانشگاهی به دلیل ارتباط با فعالیت‌های آنها، مطرح شده است.

متأسفانه واژه کارآفرینی که ترجمه‌ای از کلمه است، موجب گردیده است که معنی ایجاد کار و یا اشتغال‌زایی از این واژه برداشت می‌شود. در حالیکه کارآفرینی دارای مفهومی وسیعتر و با ارزشتر از اشتغال‌زایی است. این برداشت ناصحیح از این مفهوم و همچنین تورم نیروی انسانی بیکار در جامعه (به ویژه در بین دانش‌آموختگان دانشگاهی)، موجب شده بسیاری از سیاست‌هایی که برای توسعه آن اتخاذ شده و نیز در بخشنامه‌ها و سخنرانی‌های مسئولان در این خصوص، صرفاً جنبه اشتغال‌زایی برای آن در نظر گرفته شود. در حالیکه کارآفرینی دارای پیامدهای مثبت و مهم دیگری همانند: بارور شدن خلاقیت‌ها، ترغیب به نوآوری و توسعه آن، افزایش اعتماد به نفس، ایجاد و توسعه تکنولوژی، تولید ثروت در جامعه و افزایش رفاه عمومی است و در صورتیکه فقط به جنبه اشتغال‌زایی آن توجه شود، از سایر پیامدهای آن بی‌بهره خواهیم ماند. (موسوی، ۱۳۸۲:۲۹)

در اوایل سده شانزدهم میلادی کسانی را که در کار مأمویت نظامی بودند کارآفرین می‌خواندند. پس از آن نیز برای مخاطرات دیگر نیز همین واژه با محدودیتهایی مورد استفاده قرار گرفته. از حدود سال ۱۷۰۰ میلادی به بعد درباره پیمانکاران دولت که دست اندرکار امور عمرانی بودند، از لفظ کارآفرین زیاد استفاده شده است. کارآفرینی و کارآفرین اولین بار مورد توجه اقتصاد دانان قرار گرفت و همه مکاتب اقتصادی از قرن شانزدهم میلادی تاکنون به نحوی کارآفرینی را در نظریه های خود تشریح کرده اند. ژوزف شومپتر با ارائه نظریه توسعه اقتصادی خود در سال ۱۹۳۴ که همزمان با دوران رکورد بزرگ اقتصادی بود، موجب شد تا نظر او در خصوص نقش محوری کارآفرینان در ایجاد سود، مورد توجه قرار گیرد و به همین دلیل وی را «پدر نظریه کارآفرینی» لقب داده اند. از نظر وی «کارآفرین نیروی محرکه اصلی در توسعه اقتصادی است» و نقش کارآفرینی عبارت است از «نوآوری یا ایجاد ترکیب های تازه از مواد» کارآفرینی از سوی روانشناسان و جامعه شناسان با درک نقش کارآفرینان در اقتصاد و به منظور شناسایی ویژگیها و الگوهای رفتاری آنها با بررسی و تحقیق در خصوص آنان نیز مورد توجه قرار گرفته است. جامعه شناسان، کارآفرینی را به عنوان یک پدیده اجتماعی در نظر گرفته و به بررسی رابطه متقابل بین کارآفرینان و سایر قسمت‌ها و گروه‌های جامعه پرداخته اند. دانشمندان مدیریت هم به تشریح مدیریت کارآفرینی و ایجاد جو و محیط کارآفرینانه در سازمانها پرداخته اند. سر تاریخی مفهوم کارآفرینی را می‌توان به پنج دوره تقسیم نمود:

دوره اول قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی: در این دوره به صاحبان پروژه های بزرگ که مسئولیت اجرایی این پروژه ها همانند ساخت کلیسا، قلعه ها، تأسیسات نظامی و غیره، از سوی دولتهای محلی به آنها واگذار گردید، کارآفرین اطلاق می‌شد، در تعاریف این دوره، پذیرش مخاطره لحاظ نشده است.

دوره دوم (قرن ۱۷ میلادی) این دوره همزمان با شروع انقلاب صنعتی در اروپا بوده و بعد مخاطره پذیری به کارآفرینی اضافه شد کارآفرین در این دوره شامل افرادی همانند بازرگانان، صنعتگران و دیگر مالکان خصوصی است.

دوره سوم (قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی) در این دوره کارآفرین فردی است که مخاطره می‌کند و سرمایه مورد نیاز خود را از طریق وام تأمین می‌کند. بین کارآفرین و تأمین کننده سرمایه (سرمایه گذار) و مدیر کسب و کار در تعاریف این دوره تمایز وجود دارد.

دوره چهارم (دهه های میانی قرن بیستم میلادی): در این دوره مفهوم نوآوری شامل خلق محصولی جدید، ایجاد نظام توزیع جدید یا ایجاد ساختار سازمانی جدید به عنوان یک جزء اصلی به تعاریف کارآفرینی اضافه شده است. دوره پنجم (دوران معاصر از اواخر دهه ۱۹۷۰ تاکنون): در این دوره همزمان با موج ایجاد کسب و کار و روند کارهای کوچک و رشد اقتصادی و نیز مشخص شدن نقش کارآفرینی به عنوان تسریع کننده این ساز و کار، توجه زیادی به این مفهوم شد و رویکرد چند جانبه به این موضوع صورت گرفت. تا قبل از این دوره اغلب توجه اقتصاددانان به کارآفرینی معطوف بود، اما در این دوره به تدریج روانشناسان، جامعه شناسان و دانشمندان و محققین علوم مدیریت نیز به ابعاد مختلف کارآفرینی و کارآفرینان توجه نموده اند.

تا دهه ۱۹۸۰ سه موج وسیع، موضوع کارآفرینی را به پیش برده است:

موج اول: انفجار عمومی مطالعه و تحقیق در قالب انتشار کتابهای زندگی کارآفرینان و تاریخچه شرکتهای آنها، چگونگی ایجاد کسب و کار شخصی و شیوه های سریع پولدار شدن می باشد. این موج از اواسط دهه ۱۹۵۰ شروع می شود. موج دوم: این موج که شروع آن از دهه ۱۹۶۰ بوده شامل ارائه رشته های آموزش کارآفرینی در حوزه های مهندسی و بازرگانی است که در حال حاضر این حوزه ها به سایر رشته ها نیز تسری یافته است.

موج سوم: این موج شامل افزایش علاقمندی دولتها به تحقیقات در زمینه کارآفرینی و بنگاههای کوچک، تشویق رشد شرکت های کوچک و انجام تحقیقات درخصوص نوآوری های صنعتی می شود که از اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شده است.

کشورهای پیشرفته از دهه های قبل و برخی کشورهای در حال توسعه در دهه های اخیر، با توجه به نقش مؤثر و مثبت کارآفرینان اقتصادی در توسعه جامعه، از این پتانسیل برای رویارویی با مشکلاتی چون رکود، تورم و بیکاری و نبود امکان اشتغال بهره برداری کرده اند. تدوین استراتژی ها، سیاست ها و برنامه های لازم برای گسترش روحیه و رفتار کارآفرینانه، آموزش و مشاوره، ایجاد فضای مناسبتر برای فعالیت کارآفرینان در زمینه های گوناگون اقتصادی - اجتماعی، رفع موانع و ایجاد ارتباط و همکاری بین آنها و تسهیل دستیابی آنها با بازارهای جهانی از جمله کارهایی است که در این زمینه صورت گرفته و دستاوردهای چشمگیر نیز داشته است. از سال ۱۹۹۷، با همکاری مراکز معتبر دانشگاهی در برخی کشورها، مدل جی. ای. ام (Global Entrepreneurship Monitor) برای ارتباط بین کارآفرینی و رشد اقتصادی طراحی شد و مطالعات لازم در این زمینه براساس سه سؤال محوری به شرح زیر صورت گرفت. در سال ۱۹۹۹ این الگو در ده کشور آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، کانادا، فنلاند، دانمارک و رژیم اشغالگر قدس بررسی شد و در سال ۲۰۰۰ کشورهای آرژانتین، استرالیا، بلژیک، برزیل، هند، ایرلند، کره جنوبی، نروژ، سنگاپور، اسپانیا و سوئیس هم به آنها پیوستند. در قرن حاضر که اقتصاد جهان و سرعت رشد اقتصادی بر پایه نوآوری است باید بستر لازم را برای رشد کسانی که ایده را به محصول، علم و دانش را به صنعت تبدیل می نمایند، یعنی کارآفرینان (ارتباط دهندگان دانش و علوم با صنعت و بازار) فراهم ساخت. (شهیدی، ۱۳۸۲: ۲۲)

۳- تعاریف کارآفرینی از دید برخی نویسندگان

در رابطه با مفهوم کارآفرینی اجتماعی، نویسندگان تعاریف متفاوتی ارائه کرده اند که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می شود: کوک، داس و میشل: کارآفرینی اجتماعی، طراحی شراکت اجتماعی بین بخش های عمومی - اجتماعی و تجاری به منظور مهار قدرت بازار، در جهت منافع عمومی است (کوک، داس و میشل، ۲۰۰۲).

تامپسون (۲۰۰۰ میلادی) کارآفرینی را فرایندی می داند که در آن بتوان با استفاده از خلاقیت، عضو جدید را همراه با ارزش جدید با استفاده از زمان، منابع، ریسک و به کارگیری دیگر عوامل به وجود آورد. دیده بان جهانی کارآفرینی GEM، کارآفرینی را به عنوان هر تلاشی تعریف می کند که به وسیله افراد برای راه اندازی یک کسب و کار (دارای کمتر از ۱۰۰ نفر کارمند) و خوداشتغالی صورت می گیرد (گزارش برنامه سال ۲۰۰۸ GEM ایران، ۱۳۸۷، ۹).

در نتیجه کارآفرینی را بصورت عام می توان اینگونه تعریف نمود که؛ کارآفرینی عبارت است از ایجاد کسب و کار جدید که با خطرپذیری و عدم قطعیت همراه است.

سولیوان و مرت: جستجو برای شناسایی فرصتهایی که به تاسیس سازمانهای اجتماعی جدید و نوآوری مستمر در آنها منجر می شود (سولیوان و مرت، ۲۰۰۳).

در جهت ارائه تعاریف کارآفرینی می توان این تعاریف را به دو بخش تقسیم نمود و سپس در خصوص هر بخش به صورت مجزا به بررسی و ارائه این تعاریف خواهیم پرداخت. در بخش نخست تعاریف عام کارآفرینی و سپس در دیگر بخش تعاریف خاص کارآفرینی ارائه شده است.

۳- کارآفرینی اجتماعی و انواع کار آفرین

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) اعتقاد دارد که در یک سطح کلان (کارآفرینی سازنده و مفید اساس و بینایی برای رشد اقتصادی ایجاد اشتغال و نوآوری) کارآفرینی اجتماعی به عنوان یک ابزار مفهومی برای تغییرهای اجتماعی مورد توجه واقع شده است؛ بنابراین چون این مفهوم فرصتی برای تحول اجتماعی به وجود می آورد در هر بخش و در هر جامعه ای مورد توجه قرار می گیرد. (مقیم، ۱۳۸۳:۶۵)

در زمینه کارآفرینی اجتماعی درک تعاریف هریک از سه بخشی که کار آفرینان می توانند در آنها فعالیت نمایند مهم می باشد. این سه بخش عبارتند از:

۱ بخش خصوصی: که از آن به عنوان بخش انتفاعی یا بخش سود آور یاد می شود. این بخش به مسائل اقتصادی که به فعالیتهای سود آور به منظور ایجاد دارایی برای مالکان و ذی نفعان یاسهم داران متمرکز است تاکید دارد.

۲ بخش عمومی: این بخش به وسیله حکومت کنترل می شود و بر اجرای سیاستهای حکومتی تاکید دارد.

۳ بخش داوطلبانه: از آن به عنوان بخش سوم بخش اجتماعی بخش شهروندی یا بخش بدون سود نیز یاد می شود. آن یک بخش اقتصادی است که به فعالیتهای غیر انتفاعی گرایش دارد و به شدت بر حمایتهای داوطلبانه برای بقای خود متکی است. فلسفه وجودی سازمانها بر این بخش ماهیت ایثارگرانه آنها به جای تولید سود و افزایش ارزش سهام داران است.

سازمانهای غیر انتفاعی داوطلبانه به طور ویژه درگیر عملیات هماهنگی و جذب منابع هستند و بیشتر کار آنها میانجی گری است. البته این سازمانها به هماهنگی و حمایت سازمانهای غیر انتفاعی دیگر نیز کمک می کنند. چنین سازمانهایی به عنوان تسریع کننده (کاتالیزور) اساس یا منبع تخصص اطلاعات تحقیقات هستند به کار گیری مدل برای تعریف مفهوم کار آفرینی اجتماعی به تبیین بیان درستی از آن کمک می کند. (نوید فر، ۱۳۸۴:۳۲)

در این جا این مدل بیان می شود که به سه نوع متفاوت کارآفرینی می پردازد که عبارتند از:

۱ کار آفرینی خصوصی،

۲ دولتی

۳ اجتماعی

پروژه های کارآفرینانه اجتماعی می توانند سهم مثبتی در توسعه اجتماع به طور موثر و مداوم داشته باشند. عواملی که در موثر بودن و موفقیت کارآفرینی اجتماعی سهم دارند عبارتند از: نوآوری و استفاده از تجربه های دست اول در راه تلاش برای تعقیب دادن ادراکات اجتماعی سنتها نگرشها و رفتارها. جنبه های اثر گذار کار آفرینانه اجتماعی شامل تعقیبهایی در نگرشها و رفتار اجتماعات مجاور گسترش ایده کارآفرینی اجتماعی ایجاد اشتغال و اثر گذاری بر سیاست ملی است. همچنین عواملی که این اثرگذاری را تحت تاثیر قرار می دهند عبارتند از: شخصیت کار آفرین اجتماعی و منابع آماده شده ای همچون دانش نمونه ها یا الگوها مواد شبکه ها و ارتباطات و حمایت خانوادگی. تداوم کار آفرینی اجتماعی از توانایی سازمان کارآفرینی اجتماعی برای جذب و تولید سرمایه ها و بودجه ها توانایی برای ایجاد شرکت توانایی در معرفی یک ساختار سازمانی موثر و توانایی برای جذب افراد و مهارتها متاثر می شود (نوید فر، پیشین: ۳۵)

این سوال که: (کار آفرین کیست؟) پیش از هر موضوع دیگر کار آفرین مورد بررسی قرار گرفته است. این در حالی است که شواهد چندی نشان می دهند که کارآفرینان به طور کلی ویژگیهای مشخصی دارند؛ مانند سطح بالای انگیزش به موفقیت مرکز کنترل درونی و تحمل ابهام. به نظر نمی رسد که این ویژگیها تنها ویژگی های یک کار آفرین باشند بلکه ممکن است به

تشخیص مقوله های مختلف کارآفرینان کمک کند. برای مثال (اسمیت و میلر) کارآفرینان ماهر را از (فرصت طلبان) جدا می کنند و به این نکته توجه دارند که فرصت طلبان وفق پذیرند و رشد محورتر هستند. در این جا چهار نوع از کار آفرینان مشخص می شوند که عبارتند از:

- کار آفرینانی که کسب و کارهایی حول فروشندگی و شبکه بندی ایجاد می کنند.
- کارآفرینانی که بر اختراع و نو آوری تاکید دارند.
- و آنهایی که برای قدرت برانگیخته می شوند و تمایل برای رهبری دارند. البته یک فرد ممکن است در بیش از یک مقوله قرار گیرد.

۴- اهمیت کارآفرینی و کارآفرینان

سه دلیل مهم توجه به موضوع کارآفرینی، تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد است. کارآفرینی بعنوان سنبل و نماد تلاش و موفقیت در امور تجاری بوده و کارآفرینان پیشگامان موفقیت‌های تجاری در جامعه هستند. توانایی آنها در بهره‌گیری از فرصتها، نیروی آنها در نوآوری و ظرفیت آنها در قبال موفقیت، بعنوان معیارهایی هستند که کارآفرینی نوین بوسیله آنها سنجیده میشود. کارآفرینان از نظر رهبری، مدیریت، نوآوری، کارایی، ایجاد شغل، رقابت، بهره‌وری و تشکیل شرکتهای جدید، سهم مهمی در رشد اقتصادی دارند. کارآفرینان و سازمانهای کارآفرین همواره سعی میکنند تا هزینههای خود را به حداقل برسانند، با توجه به منابع موجود برنامه‌ریزی میکنند و به آنچه که نمیدانند بیشتر از آنچه که دارند میاندیشند. به همین جهت ریسک‌پذیرند، تحمل ابهام را دارند و به تحقیقات ارج مینهند. بنابر اعتقادی، در جوامع لازم است که انقلاب کارآفرینی رخ دهد بهگونهای که این انقلاب در قرن حاضر، اهمیتی به مراتب بیشتر از اهمیت انقلاب صنعتی دارد.

برای مدتی نسبتاً طولانی، دانشمندان معتقد بودند که کارآفرینی موضوعی ارثی و وابسته به طبیعت و ذات افراد است و از طرق توارث انتقال مییابد و لذا کارآفرینان از افراد دیگر متمایز هستند. وبر اولین محقق بود که بیان نمود ارزشهای عقیدتی و درونی فرد مستقیماً به رفتار کارآفرینانه منتهی میشوند؛ اما مطالعات و تحقیقات بعدی نشان داده‌اند که کارآفرینی و کارآفرینان، علاوه بر ویژگیهای فردی و موروثی، متأثر از محیط نیز هستند. در مجموع اینکه، کارلند و دستیارانش انواع ویژگیهای کارآفرینان را جمع‌آوری نمودند که ذیلاً به تعدادی از مهمترین آنها اشاره می شود:

آینده‌نگر بودن و داشتن چشمانداز، مصمم بودن و عزم راسخ داشتن، تمرکز قوی بر کار و نه چیز دیگر، داشتن انگیزه قوی در کار، وقف و از خودگذشتگی در راستای کار و تحقق هدف، کار را مانند بازی و تفریح دانستن، داشتن کنترل و قدرت درونی لازم به منظور تعیین جهت و مسیر کاری خویش، استقلال فکری در کار، خلاقیت و نوآوری، ریسک‌پذیری و تحمل ابهام.

۵- کسب و کارهای کوچک، موتور توسعه جوامع

از نگاه اقتصادی قرن بیست و یکم را قرن کارآفرینی نامیده‌اند و دلیل آن فراگیر شدن جنبش کوچک‌سازی و برون‌سپاری فعالیتهای تولید و خدماتی می‌باشد. از زمانی که شوماخر «کوچک زیباست» را مطرح کرد و مزیت‌های شرکتهای کوچک از جمله انعطاف‌پذیری و چابکی و توانایی آنها برای روبه‌رو شدن با تغییرات محیطی را یادآور شد، شاهد دگرگونی در فضای کسب و کار جهانی و کوچک شدن بسیاری شرکتهای بزرگ دنیا بوده‌ایم. بسیاری از شرکتهای عظیم با تجزیه بخشهایی از خود به شرکتهای مستقل سبب افزایش تخصص و درآمد این بخشها و در عین حال بهبود دانش مدیریتی آنها به دلیل حضور مستقل در بازارها شده‌اند. همین امر سبب کاهش بار مالی سازمانها و افزایش چابکی آنها شد. همچنین ایجاد شرکتهای کوچک توسط متخصصان و دانش‌آموختگان برای انجام فعالیتهای تخصصی سبب رونق فعالیتهای پروژه‌ای شد و برون‌سپاری به معنی سپردن بخشی از فعالیتهای شرکت به شرکت دیگر، رواج یافت. این فعالیتهای در اقتصاد امروز دنیا به شدت رواج دارند، به شکلی که می‌بینیم امروزه در کشوری مثل ایالات متحده، از هر سه خانواده آمریکایی، یکی مالک یک کسب و کار کوچک است، یعنی ۳ درصد از ۳۵ میلیون خانواده آمریکایی دارای حداقل یک کسب و کار کوچک از خود هستند. همچنین سالانه بیش از دو بیست هزار شرکت در این کشور ثبت می‌شود (تیمونز، ۱۹۹۹). شرکتهای کوچک ۹۵٪ از کسب و کارهای موجود در کل جهان را تشکیل می‌دهند، ۵۰٪ از کل ارزش افزوده جهانی و نیز بسته به کشور مربوطه، بین ۶۰ تا ۹۰ درصد از مشاغل جدید

را ایجاد می‌کنند (نایت، ۲۰۰۱). جالب است بدانیم که کسب و کارهای کوچک و تند رشد در آمریکا، ۷۷ درصد از ۳۴ میلیون شغل ایجاد شده در آمریکا را انجام داده‌اند. امروزه اقتصاد جهانی بر اهمیت کسب و کارهای کوچک کاملاً پی برده است و فعالیتهای کارآفرینانه برای فقرزدایی، افزایش دانش و ثروت، رهایی از اقتصادهای دولتی و تک محصولی، ایجاد بهره‌وری و کارایی در سطوح ملی و محلی و سرانجام افزایش اشتغال در کشورهای مختلف دنیا که بالطبع تمام اینها سبب ایجاد امنیت عمومی می‌شود، مورد توجه کامل تمام سازمانهای جهانی و نیز سازمان ملل متحد قرار گرفته است و شاهد آن اجرای پروژه‌های کارآفرینی در کشورهای مختلف دنیا می‌باشد. حوزه اقتصاد با جهانی نمودن بازارها و نهادینه کردن تبادلات گسترده فارغ از تسلط دولتها، توسط شرکتهای چند ملیتی، آموزه مناسبی است برای گروههای اجتماعی و فرهنگی جوامع که برای رشد خویش نیازمند فضای باز و آزاد هستند تا بتوانند بدون موانع دست‌پاگیر، در جهت تحقق استعدادها و توانمندیهای خویش حرکت نمایند. (نویدینیا، ۱۳۸۵:۷۳)

بی‌شک بهترین راه برای خلاصی کشور ما از اقتصاد دولتی و بیمار و افزایش درآمد ملی، دانش تخصصی و فراهم کردن اشتغال مولد برای جوانان کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای کوچک است؛ اما صرفاً راه اندازی شرکت و کسب و کار به معنی موفقیت و ایجاد کارآفرینی نیست، بلکه زیانهای ناشی از شکست در کسب و کارهای کوچک نه تنها سبب بازگشتن شاغلان آن شرکت به دامن اقتصاد مصیبت زده و بیمار می‌شوند، بلکه سبب جو ناامیدی و ممانعت از ورود سایرین به این عرصه نیز می‌شود و در حقیقت نتیجه معکوس خواهد داد. آمار نشان می‌دهد که ۲۴ درصد شرکتهای در همان دو ساله اول فعالیت خود منحل می‌شوند، ۵۰.۴ درصد آنها در چهار ساله نخست و ۶۰.۵ درصد آنها در شش سال اول فعالیت خود ورشکستگی را تجربه می‌کنند (SBA, 2002)؛ بنابراین گام نخست برای کمک به کارآفرینی، تزیق دانش مدیریت و کمک به اداره شرکتهای کوچک توسط مدیران و بنیانگزاران آنهاست. گسترش دانش مدیریت بنگاه‌های کوچک بی‌شک اساسی‌ترین عامل موفقیت بنگاه‌ها و به تبع آن افزایش تحرک اقتصادی و دستیابی به خواست مورد نظر ما یعنی مشارکت در تأمین امنیت عمومی است.

۶- نقش کار آفرینی بر امنیت اجتماعی

امنیت از دیرباز مهمترین دغدغه انسانها بوده است. از زمان انسانهای اولیه، امنیت به عنوان اساسی‌ترین رکن زندگی پس از آب و غذا مطرح بوده است. شاید غارنشینی انسانهای اولیه به عنوان اولین تحول زندگی انسان روی کره زمین در پی این نیاز بوده است تا ماوا و مأمنی برای دوری از خطرات دائمی زندگی ایجاد کند. دوشادوش سایر ابداعات بشری که برای بهبود شرایط زیست انسانها صورت می‌گرفت، راههای ایجاد امنیت نیز ارتقا یافت و انسانها به دنبال ایجاد راهکارهایی برای افزایش امنیت زندگی اجتماعی خود برآمدند.

مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است. امنیت در مورد افراد به این معناست که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادیهای مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق ایشان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنها را تهدید نکند. لزوم و ضرورت امنیت در جامعه به این مفهوم، از طبیعت حقوق بشری ناشی می‌گردد و لازمه حقوق و آزادیهای مشروع مصونیت آنها از تعرض و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات امنیت است. در واقع امنیت عبارت است از جلوگیری از نقض و تعرض بالفعل. گاهی اوقات نیز امنیت در برابر احساس وحشت و خوف و خطر مطرح می‌شود. (گروسی و همکاران، ۱۳۸۶:۶۹)

در برابر این تعاریف از امنیت که تلاش برای ارائه درکی شفاف از امنیت داشته‌اند، گروه دیگری نیز بر این باور هستند که امنیت تعریف ناشدنی است. هیومک دونالدو کوشید با استفاده از یک سری طبقه‌بندیها ابهام مفهوم امنیت را رفع کند اما در چنبره طبقه بندی‌های خود با شکست روبه‌رو شد و اعلام کرد که امنیت مفهومی «تار سا» است. پاتریک مورگان در این باره می‌گوید: «امنیت مانند سلامتی یا منزلت نوعی شرایط است که به آسانی تعریف و تحلیل نمی‌پذیرد». مک سوئینی امنیت را واژه‌ای لغزنده و بی‌ثبات می‌خواند که در گستره گیج‌کننده‌ای از زمینه‌های متنوع و در جهت اهداف چندگانه به وسیله افراد، شرکت‌ها، حکومتها و متخصصان آکادمیک به کار رفته است و در این فضا مجموعه‌ای از چیزها، مردم، وسایل، اهداف، حوادث خارجی و احساسات درونی منظور شده‌اند. (پارسا، ۱۳۸۶:۳۵) علیرغم مشکلاتی که در زمینه تعریف امنیت وجود دارد و فارغ از

عینی یا ذهنی-روانی دانستن آن، در حقیقت زیرساخت و زیربنای تمام پیشرفتهای انسانی ایجاد امنیت بوده است و به وضوح می‌بینیم که تمام اکتشافات و اختراعات بزرگ بشری در زمانهایی صورت گرفته است که امنیت برای اندیشمندان فراهم شده است. این موضوع سبب تمرکز مطالعات بر روی عوامل پیشبرنده اجتماعات انسانی شد و در نتیجه آن تئوریهای زیادی برای شناخت عواملی که سبب شکوفایی زندگی انسانها می‌شود مطرح شد. هرم نیازهای مازلو یکی از مهمترین و شناخته شده‌ترین تئوریهای مطرح شده در راستای شکوفایی انسانها است.

۱-۶- هرم نیازهای مازلو

آبراهام مازلو یکی از بنام‌ترین اندیشمندان مدیریت است که پس از سالها مطالعه مدلی را به نام هرم نیازها پیشنهاد داد که یکی از فراگیرترین مدل‌های بررسی نیازهای انسانی است.

نخستین نیاز انسان، نیازهای زیستی یا نیازهای فیزیولوژیک است. این نیازها مثل نیاز به غذا و آب و هوا برای زنده ماندن الزامی هستند. پس از این نیازها نیاز به امنیت جای دارد. مطابق این مدل، نیاز به امنیت پیش نیاز سایر نیازهای انسانها است. اگر امنیت خدشه‌دار شود انسانها نمی‌توانند پای به مراحل بعدی بگذارند و در صورتیکه به مراحل بالاتر رسیده باشند نیز با از دست رفتن هر یک از سطوح پایینتر، به سرعت به همان مرحله باز می‌گردند.

توجه به امنیت که در آن اعضای جامعه بشری، حریم خود را از هرگونه تعرض و تهدیدی مصون بدارند خواسته دیرپای بشر است. در جامعه پیچیده کنونی هر روز امکان مخدوش شدن حریم امنیت اشخاص به وسیله عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وجود دارد. به طور روزمره حریم امنیت روانی و اجتماعی انسان در معرض آسیب قرار می‌گیرد. از این رو تحقیق در خصوص احساس امنیت در جامعه، انواع امنیت و عوامل مؤثر بر میزان احساس امنیت، ضروری می‌نماید. (گروسی و همکاران،

۱۳۸۶:۳۵)

امنیت اگر چه یک مفهوم کلی است که بر احساس امنیت کامل شهروندان در تمام جنبه‌های زندگی خود دلالت دارد، اما برای فراهم کردن این امنیت دولتها و حکومتها وظیفه خطیری برعهده دارند. آنان ناگزیر از تقسیم بندی این امنیت به مقوله‌های گوناگون هستند تا بتوانند با تقسیم بندی وظایف، امنیت کامل را برای جامعه حاصل کنند.

مفهوم امنیت مانند سایر مفاهیم اساسی و رایج در علوم انسانی نظیر صلح، عدالت و آزادی در معرض تفسیرها و تعبیرهای گوناگونی قرار دارد. تعاریف لغوی امنیت در فرهنگهای لغت عبارتند از: در امان بودن، آرامش و آسودگی حفاظت در مقابل خطر، احساس آزادی از ترس، احساس ایمنی و رهایی از تهدید. امنیت دارای ابعاد عینی و ذهنی-روانی است؛ به عبارت دیگر امنیت هم شامل اطمینان و آرامش فیزیکی و هم آرامش روحی و روانی است. (سرلک زایی به نقل از گروسی و همکاران

۱۳۸۶:۶۵)

امنیت به شیوه‌های گوناگونی تقسیم بندی شده است از قبیل امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت روانی، امنیت قضایی، امنیت اخلاقی، امنیت عمومی و... معمولاً دولتها ارگانهایی را مسئول مستقیم تأمین امنیت در هر یک از این بخشها می‌کنند؛ اما سؤال این است که آیا صرفاً انجام وظایف هر بخش سبب تأمین امنیت همان زیربخش بطور کامل می‌شود؟ اگر پلیس به تنهایی وظیفه خود را به خوبی انجام دهد امنیت اجتماعی کاملاً به دست خواهد آمد؟ تلاشهای بی‌شائبه پلیس در ایجاد امنیت اجتماعی نشان داد که حلقه‌های مفقوده دیگری وجود دارند که علیرغم تلاشهای پلیس خارج از حیطه کنترل این ارگان است و به عنوان زاینده فساد سبب ایجاد جرم و جنایتهایی می‌شوند که پلیس و نیروی انتظامی ناچار به کشف و مهار آن می‌باشند و هر قدر هم که تلاش می‌شود، به دلیل زایایی آن منبع فساد کماکان شاهد به خطر افتادن امنیت اجتماعی و عمومی هستیم؛ بنابراین شناسایی و از ریشه کردن این ریشه‌ها به پیشگیری از وقوع جرایم و حفظ امنیت اجتماعی کمک شایانی می‌کند.

بررسیهای نیروی انتظامی و گزارشهایی که از بزهکاران منتشر می‌کند نشاندهنده حجم بالای حضور قشر کم‌درآمد و دهکهای پایین اجتماع در این جرم و جنایتها به صورت وردست و اجیر شده توسط سردسته‌های گروههای مجرم بوده است. به این معنی که فقر، بیکاری و نداشتن درآمد کافی سبب می‌شود که افراد به صورت آلت و ابزاری برای استفاده گروههای مجرم

درآیند و مجرمان با جلو انداختن این افراد برای خود حاشیه امنیت مناسبی ایجاد کنند و در صورت لزوم از صحنه پنهان شوند؛ بنابراین تلاش برای ایجاد امنیت اقتصادی برای افراد دهکهای پایین اجتماع از جمله اقدامات پیشگیرانه‌ای است که برای فراهم آمدن امنیت عمومی لازم است و تا زمانی که حداقل معیشت افراد تأمین نشود، احتمال سوء استفاده از این افراد در شبکه‌های جرم و جنایت وجود خواهد داشت.

در اینجاست که کلیت امنیت و به هم پیوستگی بخشهای مختلف امنیت که پیشتر ذکر شد معنا می‌یابد و می‌توانیم سایر بخشهای زندگی اجتماعی را نیز به عنوان پیش‌نیازهای وظایف امنیتی دولتها تلقی کنیم و از همین منظر است که کارآفرینی و تلاش برای ایجاد کسب و کارهای کوچک خصوصی به عنوان یک پیش‌نیاز امنیتی معنا می‌یابد.

همانطور که می‌توانیم اقتصاد دولتی کشور ما که سالها سبب ایجاد ناکارایی و عدم بهره‌وری اقتصادی شده است، در کنار تمام مصائب خود، بیکاری را هم به عنوان یکی از معضلات بزرگ برای جامعه ایرانی به همراه داشته است. بیکاری فزاینده‌ای که همراه با رشد جمعیت و افزایش شمار نیروی جوان، چهره زشت خود را در صف استخدام شرکت‌های دولتی و خیل عظیم فارغ التحصیلان بیکار نشان می‌دهد. این اقتصاد دولتی در سالهای اخیر مورد توجه کامل نظام قرار گرفته است و برنامه‌های مفصلی برای رهایی از دام اقتصاد دولتی تدارک دیده شده است که از جمله آنها برنامه خصوصی سازی مبتنی بر اصل ۴۴ قانون اساسی است. برپایه این برنامه فعالیتهای کارآفرینی به عنوان یکی از برنامه‌های مؤثر در جهت ایجاد اشتغال و به راه انداختن کسب و کارهای کوچک توسط بخش خصوصی مورد پیگیری جدی دولت و وزارت کار و امور اجتماعی قرار گرفته است و در راه اجرای آن فعالیتهای جدی همچون وامهای خوداشتغالی، کلاسهای رایگان کارآفرینی، ایجاد رشته‌های دانشگاهی کارآفرینی و کسب و کار در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد و... صورت گرفته است، به این امید که بتواند بخش بزرگی از جامعه را به سوی خود اشتغالی بکشاند. بدیهی است که این اقدامات دولت چنانچه با موفقیت همراه شوند نه تنها جهش اساسی در اقتصاد متکی به نفت ایران، بلکه در گسترش تواناییهای فنی، در خودباوری و زندگی اجتماعی و سرانجام در ارتقای امنیت عمومی جامعه خواهد داشت.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

از آنجا که امنیت صرفاً با قوه قهریه و با کارکرد امنیتی صرف به دست نمی‌آید، بنابراین باید به کارکرد سایر ارگانها و نهادهایی که عملیات آنها بر سطوح مختلف امنیت تأثیر می‌گذارد نیز توجه شایانی داشت تا زیربنای امنیت عمومی که غایت نهایی حکومتهاست حاصل شود. امنیت عمومی به زیربخشهای متعددی تقسیم می‌شود که این زیربخشها در کنار یکدیگر می‌تواند به فرایند امنیت عمومی و در نتیجه آن توسعه مورد نظر بینجامد. با دیدن تصویر کامل و توجه به این زیربخشها، صرفاً پلیس و نیروی انتظامی به عنوان تنها ارگان مسئول حفظ و برقراری امنیت مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بلکه نقش ارگانهای دیگر جامعه که زیربنای این امنیت را تشکیل می‌دهند نیز پر رنگ می‌گردد.

امنیت اقتصادی یکی از مقوله‌های تشکیل دهنده شاکله امنیت عمومی است. بی‌شک اقتصاد سبب پایداری یا آشوب در نظامهای امنیتی و سیاسی کشورها می‌شود، به نحوی که بارها دیده شده است که فقر اقتصادی و ناکارآمدی‌های اقتصادی حتی منجر به آشوبهای گسترده و ایجاد ناآرامیهای بزرگی در نقاط مختلف دنیا شده است؛ بنابراین ایجاد یک زیربنای اقتصادی مستحکم و پایدار مهمترین عنصری است که می‌تواند تضمین‌کننده بخش بزرگی از امنیت عمومی باشد. البته به این معنا نیست که ریشه ناامنی با بهبود وضع اقتصادی خشک می‌گردد، بلکه تا حدود زیادی سبب کاهش آن و یا حداقل عدم ترغیب افراد سالم جامعه به ارتکاب جرایم به دلیل تنگدستیهای مالی می‌شود.

یکی از راهکارهایی که امروزه دولتها برای بهبود زیربنای اقتصادی خود به کار بسته‌اند گسترش کارآفرینی و درگیر ساختن افراد جامعه با فعالیتهای اقتصادی است که خود مالک آن فعالیتهای هستند. توسعه کارآفرینی در کشورها نه تنها سبب ایجاد ثروت و افزایش درآمد صاحبان آن بنگاه‌ها می‌شود، بلکه با ایجاد اشتغال و درگیر ساختن افراد جامعه، بار بزرگ وظایف اقتصادی دولتها را هم می‌کارد و بدنه سنگین و ناکارای دولتها را منعطفتر می‌سازد؛ بنابراین توجه به کارآفرینی به عنوان یک پدیده جهانی که کارایی خود را در بسیاری از کشورها نشان داده است، می‌تواند به خوبی بخش بزرگی از بار ایجاد امنیتی را که

بر دوش نیروی انتظامی قرار دارد کاسته و سبب بهبود شرایط امنیتی شود. خوشبختانه در ایران دولت به خوبی به این مسئله توجه کرده است و با ایجاد رشته‌های دانشگاهی و ارگانهای دست اندرکار و نیز ارائه تسهیلات لازم تلاش در جهت افزایش افراد جامعه داشته است.

منابع

۱. شهیدی، مهدی؛ (۱۳۸۲). تجارت الکترونیکی ابزاری برای کاهش شکاف دیجیتالی، عصر ارتباط، ۲۲ تیرماه. پ
۲. گروسی، سعیده؛ بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت؛ مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت. فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۳
۳. مقیمی، محمد؛ (۱۳۸۳). کارآفرینی در نهاد های جامعه مدنی: پژوهشی در سازمان های غیر دولتی NGOs؛ ایران، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، زمستان
۴. موسوی، سیدمحمود؛ (۱۳۸۲). نقش کارآفرینی در توسعه صنعتی و اقتصادی، مجله رهیافت، شماره ۲۹، بهار.
۵. نوید فر، محمد حجت؛ (۱۳۸۴). کارآفرینی اجتماعی؛ کارآفرینی تطبیقی: مقالات منتخب سمینار، پژوهشگران مرکز کارآفرینی پردیس قم دانشگاه تهران؛ انتشارات اعلام التقی؛ چاپ اول
۶. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵)، تأملی نظری در امنیت اجتماعی با تأکید بر گونه‌های امنیت. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم شماره اول
7. Sriram, Ven; Mersha, Tigineh; Herron, Lanny (2007). "Drivers of urban entrepreneurship: an integrative model". *International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research*, Vol. 13, No. 4, 2007, pp. 235-251

Studying the Effect of Entrepreneurship on Social Security

Hasan ShahrAshob

MSc. Student of Political Science Islamic Azad University Baft Branch

Abstract

One of the development and progress indicators in developed and developing countries is to pay attention to science basis economics according to human's creativity and skills. In this case, we can consider jobmaking as one of the most important cases in creativity basis economics that can help societies development in all aspects. For this, the aim of this research is also to study the effect of jobmaking on the security of the society. There is a question here that we are going to ask and that is, have jobmaking policies had any effects on the security? The answer is it seems job making policies have had so many effects on the security of the society in different parts of the world especially in Iran and other developed and developing countries.

Keywords: Entrepreneurship, Social Security, Knowledge, Creativity, Social Capital.
